

فراهم آورید و رفع اتهام از او بفرمائید جناب آقا میرزا ابوالقاسم گفت من برای ده هزار تومان پدرم را متهم نمی‌توانم دید در این موقع که علماء اصفهان تاخت آورده اند به سیهدار مناسب نیست من اسباب ملاقات سیهدار را با پدرم فراهم آورم واسطه آنچه اصرار نمود جناب آقا میرزا ابوالقاسم انکار نمود.

روز دوشنبه ۱۲ رجب ۱۳۲۴ هجری - که عید سعید مولود حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام است طرف عصر درارگ در مدرسه نظامیه مجلس منعقد گردید نظامنامه را قرائت نمودند همگی پسندیده بنا شد بامضاء دولت برسانند چون امر نان و گوشت را از طرف دولت واگذار نمودند بامیربهادر و اقبال الدوله و نصر السلطنه سیهدار که نان را از قرار یکمن تبریز در یک قران بفروشد لذا در مجلس مذاکره شد آقایان قبول نکردند و گفتند باید امر نان و گوشت را واگذار نمود به تجار معتبر که از قرار یکمن چهار عباسی بفروشند و ضمانت هم بدهند چه این سه نفر امروز که اول خرمن است یکمن یک قران میفروشند لکن آخر سال باز گران می‌کنند ما تا حرف بزیم خواهند گفت ما با دولت این قسم قرار گذاردیم . بعضی هم در مجلس از اقبال الدوله و امیربهادر و سیهدار بدگفتند اختلافات در باره این سه نفر زیاد شد .

روز سه‌شنبه چهاردهم رجب ۱۳۲۴ هجری - امروز نظامنامه را که ملت نوشت فرستادند حضور شاه که امضاء نمایند و شهرتی گرفته است که دولت زمین درشت را بایول زیادی داده است بجناب آقا سید عبدالله باینجهت مردم دل شکسته شده‌اند و از جانب آقا سید عبدالله و اجزایش مأیوس شده‌اند . بحمل از مفصل زمین درشت که اعلیحضرت دستخط فرموده اند و داده اند بآقای بهجانی این است که درشت ده و مزرعه‌ایست در سمت شمال تهران واقع است و زمین درشت در چند سال قبل متعل بود به باغ شاه که الآن متصل به خندق و دروازه شهر تهران است و چون فرمانفرمای مرحوم نصره الدوله پدر فرمانفرمای حالیه که مستی بعبدالحسین میرزا است آبی را جاری نمود که موسوم بآب فرمانفرما است و در بیرون شهر آسیاب و باغ احداث نمود و اطراف آبر را تحجیر نمود لذا رعایای درشت در مقام مزاحمت و تصدیع و ممانعت فرمانفرما برآمدند فرمانفرما هم چون احتیاج خود را بآن زمینها میدانست رعایا را بهر طور بود ساکت نمود یا بصلح و خریدن و یا بقهر و زور هر چه بود مدعی از بین رفت و فرمانفرما فرمانی را از مرحوم ناصرالدین شاه صادر کرد و احتیاطاً هم از مرحوم میرزای آشتیانی خرید آن زمین را بعنوان زمین ممانت و مجهول‌المالك نوشتجات شرعی و عرفی را تمام و در صندوق خود گذارد ، پس از کشته شدن ناصرالدین شاه به تیر میرزا رضای کرمانی و عزل فرمانفرما عبدالحسین میرزا یسر مرحوم فرمانفرما نصره الدوله از ریاست وزارت جنگ و سپهسالاری رعایای درشت مدعی به را مصاحبه کردند بآقا سیدعلاءالدین اعتمادالاسلام و یکی از پسرهای آقا سید عبدالله در این ایام که فرمانفرما عبدالحسین میرزا در کرمان حکومت میکند آقایانهم پیش افتاده‌اند اعتمادالاسلام بتوسط آقا سید عبدالله دستخطی صادر نمود و فرستادند زمین را متصرف شوند بحیر دیوان پیشکار فرمانفرما مراتب را تلگرافاً به فرمانفرما اطلاع داد فرمانفرما هم آنچه توانست بهر کس

ملتجی و تلگراف نمود لکن بخرج نرفت ولی مسئله دستخط دادن زمین درشت امروز بمردم رسید درین مردم افتاد در مجالس و محافل مردم این اعطاء را عنوان میکنند تا در موقع چه پیش آید و فرمانفرما بچقدر متضرر شود.

روز چهارشنبه یازدهم رجب ۱۳۲۴ هجری - جمعی از تجار واصناف آمدند درخانه آقای طباطبائی و گفتند ماجناب آقا سید عبدالله را خواهیم کشت چه این ملت را فروخته و رشوه گرفت وزمینهای درشت را از دولت برای خود و پسر و داماد خویش گرفته است جناب آقای طباطبائی مردم را به نصیحت ساکت نمود و فرمود مسئله زمین مدتی است درین است و متنازع فیه میباشد ربطی برشوه ندارد البته این عنوان را نکنید که در اول امر زحمات مابهدر خواهد رفت .

امروز حاج معینالتجار بوشهری هزار تومان داد به جناب آقا میرزا محمدصادق که بدهد باجزاء انجمن مخفی که مواظبت داشته باشند بد گویان او را ساکت نمایند بلکه بتوان دروکالت از طرف ملت داخل شده و او را در جزو مبعوثان ملت برقرار نماید جناب آقا میرزا محمدصادق ده بیست تومانی با قاشیخ محمد مازندرانی و قدری هم بحاج جلال المالک و یک و دونفر دیگر داد و مابقی رامیل فرمود .

روز پنجشنبه ۱۶ رجب ۱۳۲۴ هجری - امروز آقایان رفتند بمجلس گویا نظامنامه را امضاء نکردند مردم هم از مجلس آمدند درخانه جناب آقای طباطبائی واجتماع و ازدحامی شد آقای بهبهانی و حاج شیخ فضل الله و جناب صدرالعلماء و سایرین هم آمدند هیاهو و قیل و قال زیاد شد قرار گذاردند که روزشنبه دکانها را باز نکنند بعضی اذن گرفتند که عین الدوله را بکشند زیرا که آمده است شهرورفته است در یارک و خانه خود . آقایان مردم را ساکت نموده تا روزشنبه مهلت خواسته و گفتند مستشارالملك رفته است حضور اعلی حضرت شاهنشاه که نظامنامه را بصرحه برساند شما تا روز شنبه صبر کنید اگر نظامنامه بصرحه و امضاء نرسید آنوقت آنچه باید خواهد شد و ماهم باشما هر جا بروید خواهیم بود و اما آمدن عین الدوله بشهر شاید آمده است که تدارک خود را به بیند و خانه و اسباب خانه خود را رسیدگی و بکسی بسپارد . طلاب باین حرفها و مواعید متقاعد نشدند تا اینکه جناب آقای طباطبائی فرمودند تاپس فردا مهلت خواسته اند و من از طرف شما مهلت داده ام و قول داده ام شما صبر کنید الا کرام بالاتمام اگر تاپس فردا مجلس رسمی منعقد نگردید و نظامنامه بامضاء نرسید من حاضریم که بر حسب میل شما رفتار نمایم مردم متفرق شدند .

در اول شب خبر رسید که تجار رفتند بسفارتخانه انگلیس متحصن شدند برای تأخیر نظامنامه امروز مکتوبی از مسلمانان قفقاز رسید که نوشته بودند پنجاه هزار نفر فدائیهای قفقاز برای یاری کردن ایرانیان از جان و مال گذشته اند هر وقت اشاره شود می آیند بایران . اگر چه اثری مترتب بر این حرفها نخواهد شد و کسی پیدا نمی شود که از جان و مال بگذرد لکن تايك اندازه باعث قوه قلب عوام خواهد گردید و ماهم بر حسب وظیفه تاریخ نویسی آنچه بدست آریم می نگاریم صورت یکی از مکاتیب قفقازیه این است که ذیلاً نگاشته آمد .

مکتوب فدائیان قفقاز

حضور مبارک حضرت مستطاب حجة الاسلام آقای آقاسید محمد طباطبائی مدظله العالی - امروز ترجمه رفته حضرت مستطاب عالی را که در خصوص آزادی ملت از دست ظلم حکومت مستبد و تأسیس مجلس دارالشورای ملت و ایجاد قانون اساسیه و عدلیه برای اداره کردن دولت و استحکام پایه سلطنت شش هزار ساله که بحضرت مستطاب اشرف اتابك اعظم مدظله العالی مرقوم فرموده بودید در روزنامه محترم ارشاد زیارت گردید و يك دنیا مفتخر و يك عالم شاد و سر بلند و نهایت امیدوار شدیم که هنوز بکلی خون در عروق ما ملت ایرانیان خشک نشده و از میان بیست ملیان نفوس باز يك نفر مثل حضرت مستطاب عالی و حضرت مستطاب حجة الاسلام آقای آقاسید عبدالله دامت برکاته بیرون آمدند و پیروی بجدت مکرم معظم خود حضرت رسالت پناهی ارواحنا فداء فرموده صدای واملتا بلند و بداد رعایای مظلوم بیچاره رسیده در صدد درخواست قانون عدالت بر آمدند که بیست ملیون نفوس بیچاره را از دست یانصد نفر ظالم جا بر خلاص بفرمایند بطوریکه خاطر مبارک مسبوق است یکصد و پنجاه سال قبل دولت ما از تمام آسیا باج میگرفت ولی بدبختانه امروز همسایگان ما راضی به باج گرفتن از ما نشده در صدد قسمت کردن وطن عزیز ما هستند آیا رواست که يك دولت شش هزار سال با کمال استقلال سلطنت نماید و امروز استبداد و خود پسندی و اغراض شخصی وزراء کار بجائی بکشد که احدی حرف حسابی را هم گوش نداده بگویند شماها چون قانون ندارید وحشی هستید مایباید ترتیب خانه شمارا بدهیم در داخله مملکت خود که جرئت حرف زدن نداشتیم و نداریم در خانه هم هر چه فریاد کردیم کسی بداد ما نرسید و رئیس هم نداشتیم که دست اتحاد بیکدیگر داده جان و مال و ناموس خود را از دست بعضی ظالمان خوش خط و خال خلاص نموده به جواب همسایگان بپردازیم ولی حالا صد هزار مرتبه خدا را شکر میکنیم که پرده از روی کار برداشته شده عموم اهالی وطن و برادران عزیز ما صدای همسایگان ما را شنیده بدانند چه باید بکنند و رأفت و مهربانی پدر مهربان و شاهنشاه تاجدار ما را هم فهمیده میدانند که شخص پادشاه هرگز راضی بجبر و ظلم نیست سهل است نهایت درجه مایل است که قانون عدالت برپا و اساس سلطنت و خانواده خود محکم شود پس در این صورت حالا تکلیف ما عموم ایرانیان است که پیروی با او امر مقدمه حضرت مستطاب عالی و شخص پادشاه کرده ریشه ظلم را از بین براندازیم و هر کدام از وزراء که مانع پیشرفت خیالات حضرت مستطاب عالی بوده با او چنان رفتار نمائیم که ملت روس با وزیرای خود کردند و میکنند و جان و دل را از دست ظلم آنها خلاص نمائیم . تا حال ما گمان میکردیم که تقصیر از علماء ملت است که ماها این طور بدبخت مانده ایم ولی حالا که حضرت مستطاب حاضر شده اید تا اینکه جان خود را در این راه صرف فرمائید ماینجاه هزار نفر رعایای ایران که از دست ظلم و تعدی اولیای دولت علیه ایران ترك جان و مال خود کرده در باد کوبه مشغول کسب و فعله گئی هستیم با کمال شوق و افتخار و از صمیم قلب حاضریم که از جان و مال و اهل و عیال خود گذشته بحضرت مستطاب عالی همراهی نمائیم و جان خود را در این راه تثار نمائیم که بازماندگان ما آسوده باشند و سلطنت ما از میان نرود نه اینکه ماها

یقین داریم بلکه يك مليون نفوس ایران که در روسیه اقامت دارند همه همراهی خواهند کرد در خود ایران هم مسلم است هیچ کس از بذل مال و جان در این راه مضایقه نخواهند کرد .

(قدامت‌یان ملت - ایرانیان مقیم باد کوبه)

روز جمعه هفدهم رجب ۱۳۲۴ - امروز جمع کثیری از تجار رفتند بسفارتخانه از صاحبقرانیه تلفن شد که نایب السلطنه و صدراعظم می آیند شهر و در مجلس حاضر میشوند باین جهت سایرین تأمل و صبر کرده اند که عصر در مجلس حاضر شوند اگر بروفق میل مردم عمل نشد آنوقت عموم مردم بروند به سفارتخانه و در آنجا بمانند و تعطیل عمومی بکنند تا بمقصود و مرام خود برسند .

عصر آقایان علماء حاضر در مجلس نشدند صدر اعظم و نایب السلطنه هم که بنا بود بیایند شهر نیامدند طلاب هم عده زیادی رفتند بطرف سفارتخانه انگلیس اول شب جناب مشیر دیوان از طرف صدراعظم آمد بخانه حضرت آقای طباطبائی درحالتیکه حامل دستخط شاه بود دستخط را داد بحضرت آقای طباطبائی و اصرار و الحاح نمود که فردا آقایان در مجلس حاضر شوند صبح صدر اعظم و نایب السلطنه و سایر وزراء هم حاضر خواهند شد در باب عین الدوله هم حکم شده است که معجلاً برود بخراسان .

دستخط اعلیحضرت شاهنشاه مظفرالدین شاه

که در جواب لایحه علماء اعلام صادر فرمودند

جناب اشرف صدراعظم - کافند جنابان آقا میرزا سید محمد و آقا سید عبدالله را ملاحظه فرمودیم عین الدوله در اول قصدش رفتن زیارت بود و مرخص هم شده بود فقط بواسطه کسالت مزاج چند روزی برای معالجه اینجا آمد حالا که حالش خوب شده است امشب نقل مکان خواهد کرد بخراسان برود و خواهد رفت دیگر چه ضرورت بود این قدر مطالب را بعرض برسانند همین دستخط را بعلماء ابلاغ نمایند .

۱۷ رجب ۱۳۲۴

مشیر دیوان خدمت حضرت آقای طباطبائی عرض کرد نظامنامه هم بامضاء وصحه اعلیحضرت موشح شده است در باب محبوسین کلات هم بنا شده است که مرخص شوند بقیه پول مجدداً اسلام را بنامند فردا بمیالش برسانند .

روز شنبه هیجدهم رجب ۱۳۲۴ - امروز بعضی دکانها و سراها را بستند تجار در سفارتخانه بودند مردم هم عازم برملحق شدن بآنها گردیدند جناب آقای طباطبائی و آقای بهبهانی فرستادند در بازار که البته دکانین را باز کنید و عصر در مجلس حاضر شوید چنانچه بروفق میل شما رفتار نشد آنوقت بازارها را به بندید . مردم اطاعت نموده بازارها را باز کردند طرف صدر اعظم و نایب السلطنه و سایر وزراء

درباری با حضور علماء اعلام و رؤساء تجار حاضر در مجلس شدند نظامنامه را قرائت نمودند صدای زنده باد پادشاه ایران زنده باد آقایان علماء یابنده باد ملت ایران و مستدام باد اسلام از مردم بلند گردید بعد از قرائت نظامنامه و تشکر مردم بعضی قریاد کردند که ما چهار نفر را نمی‌خواهیم باید از اطراف پادشاه رؤف مانقی و تبعید شوند یکی امیر بهادر و دیگری نصر السلطنه سومی حاجب الدوله چهارمی نیرالدوله و خیلی بد گفتند از این چهار نفر نیرالدوله هم حاضر بود و شنید زودتر از همه رفت قرار شد نظامنامه را مجدداً بنظر شاه برسانند از فردا شروع در انتخابات کنند. امروز وزراء مجلس کردند امیر بهادر در مجلس گفته بود دولت باید ملاحهارا علاج کند و دماغ آنها را بسوزاند مجدالدوله برخلاف او حمایت از آقایان کرده بود شب را مجدالدوله آمد منزل آقای طباطبائی و اظهار خدمت نمود که امیر چه گفت و من حضور جواب دادم.

روزیکشنبه ۱۹ رجب ۱۳۲۴ - امروز دکان مفتوح گردید تجار و رؤساء اصناف و صرافها در سفارتخانه می‌باشند میگویند تا مجلس صحیحاً تشکیل نیابد و مطمن نشویم خارج نخواهیم شد بیروز بواسطه نزاعی که بین مجدالدوله و امیر بهادر شده بود در مجلس صدراعظم و شرف‌صدارت بر خورده بود لذا صدراعظم در مقام استعفاء بر آمد و مراتب را حضور شاه عرض کرد اعلیحضرت متعیر شده و فرمود آنچه صلاح دانید معمول و اجراء دارید وزیر دربار راجه باین مذاکرات.

روز دوشنبه بیستم رجب ۱۳۲۴ - امروز طرف عصر مجلس منعقد گردید نظامنامه را آوردند که بصفحه شاه موشح و به مهر دولتی مژین شده بود مردم دعا و ثنای شاه را ورد زبانها ساخته آنچه لازمه تشکر بود بجا آوردند قرار بر این شد که روز دوشنبه ۲۷ که روز مبعث است شروع در انتخابات مبعوثین شود.

روز سه‌شنبه ۲۱ رجب ۱۳۲۴ - امروز آقایان علماء از صدراعظم خواهش نمودند که تلگرافی بولایات از طرف دولت مخابره کنند صدر اعظم قبول و مراتب را حضور اعلیحضرت عرض کرد طایفه صرافها هم که در سفارت می‌باشند مطالبه طلب و براتهای دولتی را که از مردم خریده‌اند مینمایند متجاوز از صد هزار تومان برات و قبوض موجب دردست صرافها میباشد.

روز چهارشنبه ۲۲ رجب ۱۳۲۴ هجری - امروز دستخطی از اعلیحضرت شاهنشاه صادر گردیده که صورت آن از اینترار است.

صورت دستخط شاه

صاحبقرانیه مورخه ۲۲ رجب ۱۳۲۴

جناب اشرف صدراعظم فهرست مطالب راجعه به مجلس را که بحضور فرستاده بودید ملاحظه شد اینکه خواسته‌اند تلگرافی در صدور نظامنامه بتمام ولایات مخابره شود چون لازم است از تمام مندرجات نظامنامه عموماً مطلع شوند صدور تلگراف کافی نیست قندغن نمائید عین نظامنامه

مجلس را زودتر طبع نموده برای هر ولایت يك نسخه بفرستند که از آن قرار ترتیب انتخابات و شرایط آن عمل شود. شاهزادگان و قاجاریه هم همین طور که خواسته اند اطلاع بدهید که پس از انعقاد مجلس منتخبین خودشان را معرفی نمایند مطالب راجعه به مجلس هم که باید در روزنامه طبع شود قدغن نمایند آنچه مقتضی است بعد از آنکه نوشته شد در روزنامه دولتی چاپ کنند عین الدوله هم که چند روزی تأخیر کرده است مشغول تسویه کارهای شخصی خودش است و البته حرکت خواهد کرد.

۲۲ شهر رجب ۱۳۲۴

شب گذشته در شهر تهران چراغانی با شکوهی کردند برای تصحیح و اتمام نظامنامه و ماهم تیدند. و تبرکاً صورت نظامنامه را در تاریخ بیداری درج میکنیم که اگر زمانی اهالی ایران بخوبی از خواب بیدار شوند و هجرت و کسالت خواب از چشم آنان بیرون رفت حسن و قبح و یا عیب و نقص آنرا بفهمند.

نظامنامه انتخابات مجلس شورایی ملی

دستخط همایونی در تصدیق و امضاء نظامنامه

بسم الله الرحمن الرحيم

جناب اشرف صدراعظم این نظامنامه صحیح است.

۲۰ شهر رجب المرجب ۱۳۲۴

بسم الله الرحمن الرحيم

نظامنامه انتخابات (مجلس شورای ملی) مطابق دستخط مبارک بندکان (اعلیحضرت همایونی خلدالله ملکه) که در تاریخ ۱۴ جمادی الثانیه سال ۱۳۲۴ - شرف صدور یافته از قرار شرح ذیل است:

فصل اول قواعد انتخابات

ماده اول - انتخاب کنندگان ملت در ممالک محروسه ایران از ایالت و ولایت باید طبقات

ذیل باشند:

شاهزادگان و قاجاریه - علماء - طلاب - اعیان و اشراف - تجار - ملاکین و فلاهین -

اصناف (۱) (۲).

(تنبیه ۱) ایلات هر ایالتی جزوسکنه آن ایالت بوده و با شرایط مقررده حق انتخاب دارند.

(تنبیه ۲) ملاک عبارت از اصحاب ملک و فلاح عبارت از زارع است.

ماده دوم - انتخاب کنندگان باید دارای مقامات ذیل باشند:

اولاً - سن آنها کمتر از بیست و پنج سال نباشد.

ثانیاً - رعیت ایران باشند .

ثالثاً - معروفیت محلی داشته باشند .

رابعاً - ملاکین و فلاحین آنها باید صاحب ملکی باشند که هزار تومان قیمت داشته باشد .

خامساً - تجار آنها حجره و تجارت معینی داشته باشند .

سادساً - اصناف باید از اهل صنف و کار معین صنفی داشته باشند و دارای دکانی باشند که کرایه

آن دکان مطابق کرایه های حد وسط محلی باشد .

ماده سوم - اشخاصی که از انتخاب نمودن کلیه محروم هستند از قرار تفصیل ذیل اند :

اولاً - طایفه نسوان .

ثانیاً - اشخاص خارج از رشد و آنهاست که محتاج به قیم شرعی میباشند .

ثالثاً - تبعه خارجه .

رابعاً - اشخاصی که سن آنها کمتر از بیست و پنج سال باشد .

خامساً - اشخاصی که معروف بفساد عقیده هستند .

سادساً - ورشکسته که بی تقصیری خود را ثابت نکرده باشد .

سابعاً - مرتکبین قتل و سرقت و مقصرین و آنهاست که مجازات اسلامی قانونی دیده اند و متهمین

به قتل و سرقت و غیره که شرعاً رفع تهمت از خود نکرده باشند .

نامناً - اهل نظام برّی و بحری که مشغول خدمت اند .

اشخاصی که از انتخاب نمودن به شروط ممنوعه : اولاً - حکام و معاونین حکام در محل حکومت .

ثانیاً - مستخدمین اداره نظمی و ضبطیه در محل مأموریت خودشان .

ماده چهارم - انتخاب شدگان باید دارای مقامات ذیل باشند :

۱ - زبان فارسی بدانند . ۲ - سواد فارسی داشته باشند . ۳ - رعیت داخله باشند .

۴ - معروفیت محلی داشته باشند . ۵ - داخل در خدمت دولتی نباشند . ۶ - سن آنها کمتر از

سی سال و اضافه از هفتاد سال نباشد . ۷ - در امور مملکتی بصیرتی داشته باشند .

ماده پنجم - اشخاصی که از انتخاب محروم هستند :

۱ - طایفه نسوان . ۲ - تبعه خارجه . ۳ - اهل نظام برّی و بحری که مشغول خدمت اند .

۴ - ورشکسته به تقصیر . ۵ - مرتکبین به قتل و سرقت و غیره که شرعاً رفع تهمت از خود نکرده

باشند . ۷ - آنهاست که سنشان از سی سال کمتر باشد . ۷ - اشخاصی که معروف بفساد عقیده

هستند و متظاهر به فسق .

ماده ششم - عده انتخاب شدگان ملت در بلاد ایران متناسب با جمعیت سکنه آن بلد است

و از هر ایالتی شش یا دوازده نفر موافق صورت ذیل باید انتخاب شود مگر (تهران) که عده

انتخاب شدگان آن بموجب تفصیل ذیل است :

۴ نفر	چهار نفر	شاهزادگان و قاجاریه
» ۴	چهار نفر	علماء و طلاب
» ۱۰	ده نفر	تجار
» ۱۰	ده نفر	ملاکین و قلاچین
» ۳۲	یک نفر	اصناف ازهر صنفی

که جمعاً سی و دو نفر میشود (مجموع و کلای تهران) شصت نفر (۶۰ نفر) است در سایر ایالات و ولایات از قرار تفصیل ذیل است :

۱۲ نفر	آذربایجان
» ۱۲	خراسان و سیستان و تربت و ترشیز و قوچان و بجنورد و شاهرود و بسطام
» ۶	گیلان و طالش
» ۶	مازندران و تنکابن و آسترآباد و فیروز کوه
» ۶	خمسه و قزوین و سمنان و دامغان
» ۶	کرمان و بلوچستان
» ۱۲	فارس و بنادر
» ۶	عربستان و لرستان و بروجرد
» ۶	کرمانشاهان و گروس
» ۶	کردستان و همدان
» ۱۲	اصفهان و یزد و کاشان و قم و ساوه
» ۶	عراق و ملایر و تویسرکان و نهاوند و کمره و گلپایگان و خونسار

ماده هفتم - هر يك از انتخاب کنندگان صاحب يك رای میباشد و فقط در يك طبقه می توانند انتخاب کنند.

ماده هشتم - عده انتخاب شدگان برای (مجلس شورای ملی) در تمام ممالک محروسه ایران بیش از دو است نفر نمی تواند باشد در شهرهای جزو وهر ایالتی هر طبقه علیحده جمع شده يك نفر را انتخاب نموده به کرسی ایالت میفرستند این انتخاب شدگان باید در همان شهری که انتخاب میشوند و یاد در مجال آن شهر سکنی داشته باشند.

انتخاب شدگان در شهرهای جزو ایالات در کرسی ایالت جمع شده به عده که در صورت فوق برای هر ایالت معین شده از برای مجلس شورای ملی اعضاء انتخاب میکنند تا در مجلس شورای ملی حضور بهم رسانیده در مدت مأموریت بوظیفه و تکلیف خود که حفظ حقوق دولت و ملت است عمل نمایند انتخاب کنندگان مجبور نیستند که حتما از صنف و طبقه خودشان انتخاب کنند.

ماده نهم - در هر محلی که انتخابات بعمل می آید انجمنی برای نظارت انتخابات از معاریف طبقات ششگانه انتخاب کنندگان آن محل (مرکب از شش نفر) و در تحت نظارت موقتی (حاکم) یا

(نایب‌الحکومه) همان محل تشکیل خواهد شد از اینقرار دوانجمن تشکیل میشود (انجمن محلی) و (ایالتی) انجمن محلی در شهرهای جزو ایالات و انجمن ایالتی در کرسی ایالت .

ماده دهم - شکایات راجعه با انتخابات مانع از اجرای انتخابات نخواهد بود یعنی انجمنهای مذکور در ماده نهم رسیدگی خواهند کرد بدون اینکه انتخابات توقیف شود .

ماده یازدهم - اگر از انجمن محلی کسی متشکی باشد بانجمن ایالتی رجوع خواهد کرد و اگر نتیجه حاصل نشد به مجلس شورایی باید رجوع نماید .

ماده دوازدهم - هر گاه یکی از اعضای مجلس شورای ملی استعفا یا فوت نماید و پیش از شش ماه به انتخابات جدید باقی باشد اعضاء مجلس بجای او يك نفر از اهل ایالت خودش انتخاب خواهند کرد .

ماده سیزدهم - اسامی انتخاب کنندگان و انتخاب شدگان هر ولایت را انجمنهای محلی و ایالتی بدفترخانه (مجلس شورای ملی) بفرستند که در دفترخانه مجلس اسامی آنها را به ترتیب حروف هجائیه ثبت و برای اطلاع عموم طبع و نشر نمایند کذلک بعد از اتمام عمل انتخابات انجمن محلی نتیجه عمل را در ظرف يك هفته بانجمن ایالتی خواهد داد .

ماده چهاردهم - انتخاب شدگان در شهرهای جزو ایالت باید از انجمن محلی اعتبارنامه در دست داشته باشند و کذلک انتخاب شدگان در کرسی ایالت باید اعتبارنامه از انجمن ایالتی در دست داشته باشند در مجلس شورای ملی ارائه دهند .

ماده پانزدهم - انتخاب اشخاص مقررده به قرعه و به اکثریت آراء خواهد بود .

ماده شانزدهم - بعد از انتخاب اعضاء (مجلس شورای ملی) اسامی انتخاب شدگان در دفتر مجلس ثبت شده و در روزنامهها اعلان خواهد شد .

ماده هفدهم - مجلس انتخاب کننده ملی در شهرهای حاکم نشین که بدو درجه منقسم می شود برقرار خواهد بود و بنا بر اقتضا و مکان حاکم محل میتواند محل مجلس انتخاب را معین نماید .

ماده هیجدهم - موعد و ميعاد انتخابات باید يك ماه قبل از وقت بتوسط حکومت محل به عموم اهالی به اعانت اوراق چاپی و سایر اعلانات مقتضیه اعلام شود .

ماده نوزدهم - انتخاب شدگان دارالخلافه و سایر ایالات هر چه زودتر باید در تهران حاضر شوند چون انتخاب شدگان ولایات بموجب نظامنامه باید منتخب شوند و حضور آنها فعلا مدتی طول خواهد کشید لهذا منتخبین تهران حالا انتخاب میشوند و مجلس تشکیل خواهد شد و بوظایف خود رفتار خواهد نمود تا منتخبین ولایات حضور بهم رسانند و تأخیر آنها سبب تعطیل مجلس نخواهد شد .

ماده بیستم - خرج سفره و مقرری سالیانه اعضاء مجلس شورایی موقوف به تشخیص و تصویب خود مجلس است .

ماده بیست و یکم - مدت مأموریت نمایندگان ملت دو سال خواهد بود و بعد از دو سال در تمام ممالک ایران تجدید انتخابات خواهد شد .

ماده بیست و دوم - شکایات راجعه به مجلس و اعضای آن در عمل انتخابات و قیام آنجه راجع به مجلس است باید کتباً به رئیس مجلس اظهار شود که در مجلس شورایی به ماده شکایت رسیدگی شده و حکم آن صادر شود.

ماده بیست و سوم - بدون اجازه مجلس احدی از اجزای مجلس را نمیتوان بهیچ عنوان گرفتار و دستگیر نمود مگر مرتکب به جناحه یا جنایتی باشد بطرز علنی. و کلیه تحریر و تقریر اعضای مجلس در مصالح دولت و ملت آزاد و هیچکس حق مزاحمت آنها را ندارد مگر در صورتیکه تحریرات و تقریرات عضوی برخلاف مصالح عامه و موافق قوانین شرع انور مستوجب مجازات باشد در اینصورت به اجازه مجلس این نوع اشخاص به محکمه عدلیه جلب خواهند شد.

ماده بیست و چهارم - اشخاصی که از رجال دولت و اعضاء دوائر دولتی بسمت نمایندگی به عضویت مجلس شورای ملی منتخب میشوند از خدمت سابقه منفصل و در مدت این مأموریت حق مداخله و اشتغال به خدمت سابقه یا خدمت دیگری ندارند و الا نمایندگی و عضویت ایشان باطل میشود.

فصل دوم - ترتیب انتخابات و کشیدن قرعه و شرائط آن

ماده بیست و پنجم - انتخاب اعضای مجلس شورای ملی در پایتخت و شهرهای بزرگ و متوسط و کوچک بعمل خواهد آمد با حضور حاکم یا نایب الحکومه و در تحت نظارت انجمن مذکور در ماده نهم.

ماده بیست و ششم - انتخاب به قرعه و اکثریت آراء تامه کتبی باید باشد و در صورت تساوی آراء باید بقرعه تشخیص انتخاب شده داده شود.

ماده بیست و هفتم - روز انتخاب اعضاء مجلس و کشیدن قرعه در هر سال که شد روز جمعه خواهد بود با رعایت ترتیبات ذیل:

۱ - کشیدن قرعه باید در حضور حاکم و انجمن محلی و حضور انتخاب کنندگان باشد.

۲ - نظام مجلس قرعه کشی به عهده انجمنهای مذکور در ماده نهم خواهد بود.

۳ - ورقه قرعه کشی باید کاغذ سفید بی نشان باشد.

۴ - هر يك از انتخاب کنندگان باید در خارج مجلس رأی خود را در آن ورقه نوشته سر بسته بدست یکنفر از اعضاء انجمن مذکور که معین خواهد شد بدهد که مشارالیه در حضور جمع در صندوق بیندازد يك نفر از اعضاء انجمن مذکور در ماده نهم اسامی انتخاب کنندگان را با صورتی که دارد مطابق کند.

ماده بیست و هشتم - قبل از کشیدن قرعه یکنفر از اعضاء انجمن درب صندوق را قفل نموده و دو نفر دیگر آنرا مهر میکنند و کلید صندوق را یکی از اعضاء انجمن ضبط میکنند.

ماده بیست و نهم - پس از انجام کشیدن قرعه درب صندوق را باز نموده در حضور جماعت

اوراق را شمرده و کمی آنرا از روی صورت اسامی تشخیص میدهند و چند نفر در حضور جماعت بانظارت انجمن مشغول استخراج آراء میشوند .

ماده سی ام - از اوراق آنچه غیر مکتوب یا لایقراً باشد یا اینکه معرفی انتخاب شده را واضح نکرده باشند یا صاحب رأی خودش را در آن معرفی کرده باشد از درجه اعتبار ساقط است و منظم یادداشتها میشود بعد نتیجه قرعه را بلند فریاد میکنند و از طرف رئیس مجلس اعلان میشود .

ماده سی و یکم - هر گاه عده انتخاب شدگان ملت زیاده از عده مقرره باشد اشخاصی از آن میان انتخاب خواهند شد که از حیث سن برتری و رجحان داشته باشند و الا با وجود فرصت تجدید قرعه میشود اگر پس از شمردن اوراق معلوم شد که عده اوراق زاید از عده انتخاب کنندگان است قرعه را باطل کرده تجدید قرعه مینمایند .

ماده سی و دوم - انتخاب شدگان یک نفر رئیس و دو نفر نایب رئیس و منشی ها با تصویب اعضای مجلس سالی یکمرتبه تبدیل میشوند و در تجدید انتخاب اشخاص رعایت اکثریت آراء مجلس همیشه ملحوظ است .

بتاریخ ۱۹ شهر رجب المرجب ۱۳۲۴ صحت مبارک اعلی حضرت را مامقدماتاً نوشتیم این نظامنامه را در نهایت استعجال نوشتند اگر چه محتاج است به تنقید و تصحیح و زیاده و کم نمودن ولی با این تعجیل و عدم تهیه و نبودن اسباب کار باز تا یک درجه خوب است .

روز پنجشنبه ۲۳ شهر رجب ۱۳۲۴ هجری - امروز آقایان در مدرسه نظامی مشغول انتخابات و مذاکرات میباشد صبیح الدوله و مخبر السلطنه و مخبر الملک پسر های مرحوم مخبر الدوله که مردمان عالم و با تربیت و دانش میباشد داخل در کار شده اند و امیدواریم که مداخله اشخاص عالم اثر خود را بنماید و الا بر زحمات جهال اثری کامل مترتب نخواهد شد و نتیجه خوبی نخواهد داد .
امروز ورقه چایی از قفقاز رسید اگر چه این اوراق متعدد است ولی ما یکی از آنها را درج مینمائیم و مضمون سایرین هم بهمین مضمون قریب است و هذا صورته .

انتباه نامه فرقه اجتماعیون عامیون ایران

ای فقرای ایران جمع شوید ای اهالی کاسه ایران ای زراعت کاران ایران ای اهل دهاتیان ایران همت کرده اتحاد نموده اجتماع بکنید خودتان را از ظلم این ضالمان خوش خط و خال استبداد منهدم خلاص نموده رهایی یابید چرا گوش شماها کر شده شنوا نیست چرا دل شما مرده حس ندارد خبر بگیرد دنیا چطور پر آشوب است اهالی همسایه شمالی از خبر و ظلم سلطنت مستقلی جدوجهد و سربازی میکنند روحانیان و کشیشان ایشان هم خود را جانشین حضرت عیسی علیه السلام دانسته در راه دفع ظلم مانند عیسی دست از جان شسته خود را چطور در طریق رضای عیسی فدا میکنند خوب شما تا بحال میگوئید که علماء اعلام مانع از پیشرفت خیالات جماعت فقرا بوده اند یعنی شریک دزد و رفیق قافله هستند لله الحمد این افترا هم بدروغ بیوسته الآن بچشم خودتان می بینید و بگوش خودتان

میشنود که آقای طباطبائی و آقا سید عبدالله مجتهد چطور اقدام خالصانه نموده و خود را برای نجات امت جدش وقف کرده مگر نشنیدید این ابن زیاد ثانی امیربهدر جنگ چطور در تهران اذیت و آزار میکند کجاست آنها که همیشه آه کشیده با چشم نمناک میگویند ای کاش ما هم در میدان کربلا حاضر بودیم تاجان خود را فدای حسین مظلوم علیه السلام میکردیم کجا مانده است آندرونکویان بی همت مگر الحال میدان تهران کم از میدان کربلاست مگر آقای سید محمد طباطبائی فرزندی زاده‌های حسین مظلوم که در میدان تهران یکه و تنها مانده دورش را اشرار تهران گرفته که عبارت باشد از وزرای بیدین خودخواه اگر در میدان کربلا هفتاد و دو نفر اعوان و انصار حسین مظلوم را شهید کردند اما در میدان تهران دوست نفر متبعان طباطبائی قربان راه حریت شده‌اند مگر مظفرالدینشاه سلطان مظلوم شما ایرانیان نیست در میدان تهران تنها و مظلوم مانده چهار اطرافش را این وزیران بیدین لامذهب تنگ گرفته مردم با کمال یأس و ناامیدی بطرف راست مینگرد سربازخانه و توپخانه و قورخانه را خراب و یغما شده می‌بیند طرف چپ را ملاحظه فرماید خزینه را خالی می‌بیند پیش روی خود نگاه میکند رعیت هریان گرسنه مظلوم و بگدائی بی صاری غافل مشغول سرگرم موهومات می‌بیند اگر به پشت سر توجه فرماید دشمن را حاضر عسکر را مشغول جمالی دیده هول نموده حیران و سرگردان مانده میگوید خداوند! تو خائنان ملت و دولت را سرنگون فرمای منکه سلطان این ملت هستم این طور بخرابی رعیت خود راضی نیستم و برگشته با صدای نجیف مظلوم اهالی ایرانرا مخاطب نموده میفرماید ای ملت ایران و ای اولاد عزیزانم ای برادران دینی و وطنم آیا شما را چه شده چرا خون ملت و دولت پرستی در رگ شما خشکیده چرا اینطور بیچار شده‌اید حمیت نموده و لینعت خود را از دست این خائنان ملک و دولت نجات بدهید ای جماعت ایران قسم بخون مطهر حسین مظلوم الان مظلومیت ملت ایران از شهدای کربلای معلی زیادتر است و امیربهدر یزید پلید است و متابعتش بدتر از ابن زیاد و شمر ملعون و خولی بی‌حیاست ای ملت ایران بخدا قسم هر کس از افراد ملت در طریق حاصل نمودن حریت ملک و ملت شهید بشود کمتر از درجه شهدای کربلای معلی نیست ای اهالی ایران ای فقرای کاسب ایران جمع شوید اتفاق نمائید از بدل مال و تلقی جان مضایقه نکنید خودتان را از دست این حاکمان خود مختار ظالم جبار لامذهب بیدین خارچ از دین محمدی علیه السلام خلاص نمائید مگر خبر ندارید در تبریز هر روز پنج نفر از کرسنگی هلاک میشوند بخدا قسم هر هفته در کافندهای تبریز مندرج است فلانکس در فلان محله اهل عیال خود را بواسطه نیافتن کرده نان ناامید شده لاعلاج مانده زهر داده کشته است تا رفته گدائی نکند مگر در روزنامه‌ها قرائت نمی‌نمودید حاکم بی‌غیرت قوچان برای اخذ رشوت بسرا اهالی بیچاره چقدر اذیت و آزار نموده ناموسشان را بر باد داده جماعت بجان آمده ترك خانمان کرده دختران خود را بتر کمانها فروخته بهای اولادشانرا آورده داده تا خود را از تعذبی این حاکم ظالم خلاص نمایند مگر نمی‌بینید هر هفته از عراق بارهای شراب بار نموده برشت می‌برند مگر نشنیدید خانه فراشان رشت و خانه امام جمعه رشت فاحشه خانه شده است این مسکرات مشنوم را آنجا صرف میکنند آه فریاد شریعت همه از دست رفت پس چه وقت اهالی ایران

وظیفه اسلامیت باید ادا بکند والله مجبور شدیم يك واقعه حیرت آمیز را شرح بدهیم تا بدانید چقدر ظلم اولیاء دولت زیاد شده شریعت زیر پا افتاده از آستارا یکنفر دوست ملت و دولت احوالات را برای ما نوشته است تا در میان ملت خارجه سر بلند بشویم میگوید در پیش دکانی نشسته بودم یکدفعه دیدم دونقر از طایفه اثاث آمده و ایستادند خیال کردم یقین اهل سوال هستند خواستم يك چیزی بدهم دیدم يك آه سرد کشیده گفتند برادر تورا بخدا قسم میدهم ما را بلد شده از گمر کخانه بگذرانید گفتم شما کجائی هستید و کجا میروید جواب دادند که ما ایرانی هستیم و لکن هزم روسیه داریم پرسیدم پس چرا بی صاحب میروید گفتند برادر صاحب ماهشت سال است که از ظلم اولیای دولت بروسیه گریخته از ما سراغ ندارد ما لا علاج ماندیم بسراغ شوهر خودمان میرویم گفتم چه میدهند من شما را از گمر کخانه بگذرانم جواب دادند ما چیزی نداریم تا در این جا گدائی نموده آمده ایم اگر هر آینه شما چشم داشتی از ما دارید باید عمل بدبیا نمائید والا والله ما چیز نداریم که بشما بدهیم ای کاش زبانم لال بود این مذاکرات را نکرده بودم بعد از آن دلم کباب شده همیشه جگرم میسوزد خداوند عالم خودش بداد اهالی ایران برسد اگر باور ندارید سواد کاغذ حاضر است میتوانم بواسطه روزنامه ارشاد بیستم اولیائی برسانم ای سرباز های ایران ای تویچیهای ایران ای قزاقها و فراسهای بی ناموس ایرانیان اینها مگر ناموس شما نیست مگر خواهر شما نیست اینها مگر عیال برادر دینی شما نیست شما مگر محافظ ناموس ایرانیان نیستید اینطور از ظلم اولیای دولت پراکنده شده بی صاحب رو بر آه روسیه نموده در سر حد سالداتهای روسیه این بیچارهها را گرفته بی عصمت نموده رها میکنند شما اگر غیرت دارید این ناموس خود را محافظت کنید تا آواره نشده بروسیه نیاید تا سالدات در سر حد و اراجیف در داخله بواسطه نان بی عصمت نکنند آقای طباطبائی ناموس شما را کشیده میخواهد شمارا از چنگ این حاکمان مستقل نجات بخشد. تا ناموس شما پامال نشود ای بی غیرتان مگر شمارا چه شده حکم امیر بهادر بدتر از یزید ملعون را اطاعت کرده تیشه بر ریشه خود زده رفته آقای طباطبائی را محاصره می کنید و هر کس از ظلم اولیای دولت بجان آمده میخواهد قدم بر آه حریت بگذارد ریخته مثل خارچی میکشید وظیفه شما بی عاری است شما خودتان باید در راه حریت جان بدهید نه اینکه هر کس از فقرا اقدام کرد ریخته میکشید اگر در ایران حریت بوده عدالت بود رعیت آواره نمی شد قونسل خارجه بصاحب منصبان شما بلکه بسلاطین شما تحکم نمی کرد پادشاه ما مثل امیر بخارا نمی بود و شما در کوحه های داخله جگرم فروشی هیزم کش و حمال و در خارجه جادوب کش نبودید وزن های شما اینطور بی عصمت نمی شد و هیچکس یارائی این نداشته بود مواجب شما را خورده و شمارا آواره بکند ای اهالی ایران این ظلمها بشما میشود این بی ناموسها بر شما میآید بواسطه استبداد این حاکمان خود مختار جابر ظالم است ای ملت ایران امام حسین شهید برای نجات دادن شما امت بیچاره باهفتاد و دو نفر جان مبارک خود را در راه رضای خداوند خود تثار فرمود چرا بخواب غفلت مستاندر شدید چرا همت ننموده جان و مال خود را در راه سعادت ابدی ملک و ملت بدل نموده بر ریشه این بدتر از مرتدان کربلای معلی تیشه بزنید تا حریت گرفته سلطنت مشروطه تأسیس نموده این لکه بیماری از روی ملت و دولت بشوئید ماها که از ظلم اولیاء دولت فرار نموده بصولجات

قفقازیه پناهنده شدیم آناله ملت ایران ما را در روسیه هم نگذاشت بدرد خود مبتلا شویم از این زندگمی پنجره دست شسته هم قسم شده دست اتحاد بیکدیگر داده حاضر شدیم که جان در راه ملک و ملت فدا کنیم (تاجان رسد بجانان یا جان زتن بر آید) ای اهالی ایران جهت بکنید در باز یافت کردن حقوق شرمی خودتان با آقای طباطبائی کمک بکنید و در راه حریت از کشته شدن نترسید از روسها عبرت نموده حیا کنید شما بارها بروسها پی ناموس میگوئید پی ناموسی شما از حد گذشته آنها در مسکو یکدفعه بیست هزار نفر در راه حریت جان فدا نمودند ما اهالی ایران که در قفقازیه ساکن هستیم از هر جهت حاضر شدیم تا در موقع خود را برای دولت و ملت فدا بکنیم ای وزیران بیدین بینیرت ایران حال خیال کنید این طور ملت ایران را یغما کرده میخورید عشرت میکنید برای شما میگردد نه والله بعد از این نمیگذارند رعیت بیدار شده حقوق خود را دانسته بعد از این مثل خروس و گوسفند خود را قربان شما بیعاران نمیدانند صد مثل شما را نوگر خود میداند شما حاکمان نوگر رعیت هستید شما باید از حکومتهای روسیه عبرت نموده حیا بکنید مگر ندیدید آنها بکیفر اعمال نجسشان چطور با آتش غضب ملت گرفتار شده جزا یافتند ماملت ایران هم انشاء الله بزودی بحول و قوه پروردگار معاینه شما بد کرداران لامذهبان بدتیتان مینمایم چنان خیال نکنید نارنجک بمب ما میگوئیم دروغ است نه بسر نامبارک شما انشاء الله بزودی می بینید چطور بدن کیف شمارا می سوزانیم همت ای ملت ایران غیرت ای اهالی ایران غیرت زنده باد طرفداران حریت و ملیت، نیست بود طرفداران استبداد از طرف اجتماعین عامیون فرقه ایران قومیه مرکزی قفقاز م . ۱۰ ع . ف (همت) ك مطبعه سی این ورقه چاپی را دادم یکی از دوستان برایم استنساخ نمود بعد بعض عبارات و الفاظ آن قابل خواندن نبود لذا بعض غلطها در آن دیده میشود لکن مضمون دست میآید .

روز جمعه ۲۴ رجب ۱۳۲۴ - امروز در مدرسه نظامیه مشغول امر انتخابات می باشند بعض شب نامها نوشته و در کوچه و مجامع انداخته شده است که صورت یکی از آنها را درج می نمایم .

شبهنامه

بنام خداوند حکیم علیم

ای حامیان اتحاد و برادران و داد این استندای عموم را بحجة الاسلام حاجی شیخ فضل الله عرض کنید دو سال است بواسطه مخالفت شما با علماء این همه توهین باسلام و خسارت بمعوم مسلمین وارد آمد باز دست از ارادت برنداشته ایم تا اینکه رفع عبار شبهات شده دانستید مقاصدمان شاه پرستی و وطن خواهی قانون اسلام ترویج احکام است که بعدها در سایه شورای ملی و مساوات و موااسات زندگمی نمایم و برای اخلاف خود راه صلاح و منزل فلاحی بسازیم اگر خبیط و خطا و یا تمرد از احکام خدا و یا برای اخذ رشا از ظلمه و مظلومین پس از این بازمی بینیم اصحاب سر و اجزاء محرم شما با مردودین ملت آمد و شد دارند با اشخاصی که حجج اسلام تکفیر و منع از معاشرت با آنها نموده اند معاشر و محشور و از مخابطه با ایشان مبتهج و مسرور میشوند و در منازل و محافل ایشان میروند رشوه و تعارف میگیرند که بشما و سایر علما.

شبهه کاری نمایند و مردودین ملت را که خدا و اولیای خدا از آنها بیزارند بمحض علمای بیارند و بپهر مبارک شما بر ضد احکام و سایر علما و حجج اسلام برای ایشان اثبات اسلام نمایند نه جهنم از وجود آن نامسلمانها پر میشود نه شکم اصحاب سر شما سیر. چرا این میدینتها را از خودتان دور نمی فرمائید چرا مهر خودتان را بدست آنها میدهید که تلگراف و کاغذ بعنوان حجة الاسلام آقای نجفی و دیگران مهر نمایند و حضرتت را بدنام تا کی تا چند صبر نمائیم و حفظ احترامات و شئونات شما را بکنیم که شیخ ابوالقاسم و حاجی شریعتمدار در شیران و چالهرز و سایر منازل مردودین دین مبین و دشمنان شرع سید المرسلین چرا میروند و چه مروده است که دارند مگر آنکه در ارتداد با آنها شریک دزد و رهنان مسلمین سهم باشند امان از دست آقا زاده‌ها امان از دست لامذهبها که اصحاب سر شما می شوند و شمارا مسخر می نمایند آخر الامر لابد میشود دفع و رفع آنها را بنمائیم و آسوده از حدوث نفاق بین علماء اعلام شویم خدا بیامرزد کسیرا که این مطلب و این نامه را بایشان برساند ۲۳ رجب المرجب ۱۳۲۴ .

دیشب گذشته علماء اعلام در خانه آقای طباطبائی مهمان بودند برای انتخاب چهار نفر وکیل از طرف علماء اعلام .

روز شنبه ۲۵ رجب ۱۳۲۴ - در حالیکه حضرت والا نایب السلطنه امیر کبیر وزیر جنگ و جناب اشرف صدراعظم و جمعی دیگر از وجوه وزراء در فرح آباد شرفیاب حضور مهر ظهور شاهنشاه بودند بندگان اعلی حضرت مظفرالدین شاه چون یدری مهربان که فرزندان گرامی خود را برفق و رأفت اندرز فرماید شرحی در محاسن اتفاق و ازوم اتحاد بین دوات و ملت بیان فرمودند که ماعین نطق ایشانرا دست آورده در این تاریخ خود در عنوان همین روز که از زبان الهام ترجمان مبارک شرف تقریر داده و صادر فرموده درج می نمائیم .

نطق اعلی حضرت شاهنشاه مظفرالدین شاه

در روز شنبه ۲۵ رجب ۱۳۲۵

تاریخ دنیا و تجربه ایام گذشته نشان میدهد که هیچ کاری صورت انجام نمی یابد مگر باتحاد و اتفاق نوع بشر باهمدیگر و این اتحاد و اتفاق نه فقط برای کارهای مهم و امور معظم لازم و واجب است بلکه اگر درست تدبیر و تحقیق شود هویدا است که کارهای عادی روزانه هم محتاج باتحاد و اتفاق است تا آنکه بطور داخواه صورت خارجی یابد مثلا همین عمارتی که مشاهده می نمائید افلا بدستبری صد نفر معمار و بنا و کارگر و غیره باین شکل و هیبت در آمده است بدیهی است نظم و ترتیبی در میان این صد نفر بوده که هر کدام بموافقت همدیگر تکلیف خود را اجرا نموده اند و در ازای آن تکلیف حقی داشته تا آنکه کار آنها پیشرفت نموده است این عمارت که اول طرح و نقشه بوده است و بس حالا باین طور صورت خارجی یافته

ورفع احتیاجات معینی را مینماید در صورتیکه بنای عمارتی اقلاً اتحاد و اتفاق صد نفر را لازم داشته باشد آنهم با ترتیبات مخصوص معین بدیهی است که تشکیل يك دولت و ترتیب و تنظیم امور يك ملت و مملکت بطریق اولی محتاج با اتحاد و اتفاق است منتهی در اینجا با اتفاق صد و هزار نفر کارگر ساخته و پرداخته نمیشود بلکه با اتفاق تمام افراد و اعضای دولت و ملت لازم است تا امور دولتی و مملکتی بطور شایسته اداره شود و هر کدام از اعضا که بمنزله سرو دست و یاور تنند بوظایف خود عمل نمایند تا هیكلی بطور صحیح تشکیل شود طبقات مختلفه و ایالات متنوعه در حوزه دولت حکم اعضا و جوارح بدن را دارند چنانکه بواسطه دردمندی عضوی تمام اعضای بدن بیقرار میشوند هیئت دولت هم از پیریشانی و عدم رفاهیت تبعه خود آزرده و متالم میگردد هم رهیت غم دولت است شادی آنها شادی دولت پس باید در آسودگی و رفاهیت مردم کوشید و مثل فرزند خویش آنها را جمع کرد و لوازم زندگانی و اسباب تن آسائی ایشان را فراهم آورد تا همه دولت را مربی خود دانند و پادشاه را پدر مهربان خویش خوانند خردمند دانا آنکس است که همواره با اقتضای زمان رفتار کند فی المثل در عهد کبک خسرو آئین جهان داری و وضع اداره امور دولت و حفظ ثغور مملکت بطرزی بوده که آن عهد و زمان اقتضا می نموده ولی آن اصول و قواعد ملک داری بکار امروزه مانعی خورد چه هر عصری اقتضائی دارد و در هر دوری طرز و طوری متداول است و چنانکه نمی توان مثلاً امروز لباسهای قدیم و کلاههای یکذریعی را دیگر باره میان طبقات نوکر از وزراء و اهل قلم و لشکر متداول نمود کذا لک اصول اداره و قواعد سیاست و مملکت داری هم باید امروز و رای ایام گذشته باشد این است که من مصمم شدم مجلس شورایی را تشکیل و تنظیم نمایم تا بدین وسیله بنیان اتحاد و اتفاق دولت و ملت بطوریکه دلخواه من است مستحکم شود و امیدوارم انشاء الله تعالی باین آرزو نایل شوم و طوری اساس اتحاد ما بین دولت و ملت استوار شود که در سختی و نرمی کار و سردی و گرمی روزگار واقعاً هر دو شریک و سهیم باشند و سعادت و خوشبختی دیگری را نیک بختی خود دانند ولی هر تکلیفی متضمن حقی است و بالعکس هر حقی متضمن تکلیفی باید اساس موافقت میان دولت و ملت بر شالوده صحیحی گذارده شود تا خیالات و نیات صحیحه نتیجه بعکس نبخشد و حدود محفوظ باشد تا دریغای حقوق هم افراط و تفریط نشود تکلیف مالطف و مهربانی است و تألیف قلوب تکلیف نوکر اطاعت فرمان است و اجرای وظایف خدمت سلطان ولی هر کدام در جای خود .

(شا اگر لطف بی عدد راند بنده باید که حد خود داند)

نوکر نظامی باید بگوید من امثال امر و اجرای فرمان پادشاه را میکنم بهرچه فرماید ولی پادشاه دانا که بخیر و مصلحت رعیت و تبعه خود واقف و بسیار است میداند چه فرماید پادشاهی که رعایای خود را مانند فرزندان خویش دارد و تفاوتی ما بین آنها نمیگذارد یقین است جز مهربانی در باره رعیت خود چیزی روا نمیدارد مگر وقتی که رعیت از حد خود تجاوز نماید و به نصیحت و موعظت گوش ندهد در این صورت البته باید آنها را متنبه نمود و این تنبیه هم از روی محبت است مانند تنبیهی که پدر فرزند رامی نماید که جز از راه مهربانی نیست باری باید اساس اتحاد و اتفاق دولت و ملت را استوار کرد و حدود را هم معین نمود که تمام مردم در کمال امنیت و رفاهیت و آسودگی زندگی زنده گانی نموده فردا فرد خود را عضو هیئت معظمی که ما آنرا دولت ایران یا وطن عزیز می نامیم بشمارند و در خوب و بد و نیکبختی و بدبختی خود را سهیم و شریک یکدیگر بدانند .

مضمون نطق اعلیحضرت همایونی این بود که ما باین عبارات دست آورده و صورت آنرا برای

بعضی جراید خارجه درج نمودیم .

روزی یکشنبه ۲۶ رجب ۱۳۲۴ - مردم در مدرسه نظامیه جمع و ازدحام نموده طرف صبح اصناف و طرف عصر علماء و طلاب حاضر مجلس شده در حضور معرفین اوراق انتخاب را گرفته ماهر زمان که ورقه انتخاب خود را گرفتیم صورت آنرا نیز درج می نمائیم .

روز دوشنبه ۲۷ رجب المرجب ۱۳۲۴ - امروز مردم مشغول انتخابات میباشد تلگرافی هم بولایان مخابره شد که مردم و کلاهی خود را انتخاب کنند .

روز سه شنبه ۲۸ رجب ۱۳۲۴ - امروز مردم در مدرسه نظامیه حاضرند برای انتخابات تلگرافی هم از هرجا رسیده است که ما بعضی از آنها را دست آوردیم .

(تلگراف از بوشهر از خط کمپانی ترجمه)

حضرت ملاذ الانام حجة الاسلام آقای حاجی میرزا سید محمد طباطبائی و سایر علمای اعلام دام ظلهم العالی - بتوسط صدارت عظمی تلگراف دستخط مبارک اعلیحضرت دام ملکه رسید در خصوص فرمان تشکیل مجلس شورای ملی در طهران و قانون موافق خواهش حضرت تعالی و سایر آقایان استعلاء فرموده اظهار تشکر شد .

(سلیمان صدر الاسلام)

روز چهارشنبه ۲۹ رجب ۱۳۲۴ هجری - امروز در مدرسه نظامیه مشغول انتخابات میباشد طرف

عصر آقایان علماء حاضر میشوند .

از تبریز تلگرافاً خبر رسید که اهالی تبریز تعطیل و به قونسلخانه انگلیس رفته اند ولی معلوم ما نگردیده که برای چه مسئله بوده است هر وقت خبر کتبی رسید وقایع تبریز را مینویسیم .
روز پنجشنبه غرة شعبان المعظم سنه ۱۳۲۴ هجری - امروز بقرار هر روز آقایان مشغول امر انتصاب میشوند طرف صبح اصناف و تجار طرف عصر آقایان علماء و طلاب حاضر میشوند امروز بعضی تلگرافات از رشت و تبریز مخابره شده است که ذیلاً نگاشته آمد :

(تلگراف از رشت)

در مجلس شورای ملی حضور مبارک حجج الاسلام و پیشوایان دین عرض و استدعا مینمائیم چون پس از تظلمات و دادخواهی اهالی طهران به تفصیلی که مشهود خاطر مهر مظاهر ملوکانه افتاد و مکرر دستخط مرحمت آیت در آزادی و خلاص قاطبه اهالی ایران شرفصدور یافته و ما رعایای فقیر گیلانی که تا کنون دچار وضع سابق بودیم و نتوانستیم بجز وساطت و شفاعت یکی از دول متحابه دایره اظهاری در آزادی و خلاصی خودمان حاصل نمائیم ناچار به قونسلخانه دولت انگلیس پناه برده و این عرضحال را بدارالشورای ملی تقدیم میداریم و عاجزانه استدعا مینمائیم که اگر حکم آزادی در حق قاطبه رعایا شرفصدور یافته است پس بقای استبداد حکومت و ملاحظه قوی از ضعیف و اغراض نفسانی و صدور احکام بی محابا نسبت بمرعایای فقیر گیلان چیست و اگر حکم مطاع دولت ابد آیت عمومی است پس مقرر فرمائید که با این فدویان هم همان معامله طهران آنها را نموده چنانچه آنها مشمول به عواطف ملوکانه گردیده اند بوجود عدالتخانه نایل شدند ما فدویان فقیر هم نایل باین نعمت بزرگ شده بر سر آب دعا گوئی و شاه یرستی خودمان بیغزائیم علیحدده هم بتوسط حضرت مستطاب اشرف آقای صدراعظم دامت شوکته بخواجگیای جواهر آسای مبارک بتدگان اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی ارواح العالمین فداه عریضه تظلمانه تقدیم داشته ایم و بوجود مبارکشان نهایت امیدواری داریم که عمأقرب این فدویان را از ظلم ظالمین خود مختار بوسیله مجلس دارالشورای ملی خلاص و بآزادی تظلمات خودمان را اظهار نمائیم .
امضاء : محمد تقی - اکبر محمود - ادیب السلطان - محمد تقی - ملک الحکماء - سیدربیع آقا - جعفر - نجد الدوله - محمد - محمد علی - اسدالله - محمد جواد - محمد صادق - موسی - علی - حسین الموسوی - علی حسین - قواء مجد .

(ایضاً تلگراف از رشت)

عرض عمومی گیلانی حضور مبارک حجج الاسلام و پیشوایان دین مبین است از فراری که مسموع شد و بتحقیق پیوست یکنفر از علماء رشت که خود را رئیس مسلم و مسن میدانند برای ریاست دوروزه رضای بعضی عبادظالم را بر رضای معبود ترجیح میدهد تلگرافی نوشت برای حکومت آنوقت فرستاده که بعضی جهال و نادان به قونسولخانه دولت انگلیس رفته و قابل اعتنا نیستند البته صورت این تلگراف بموقف حضور صدارت کبری تقدیم شده است ما فدویان دولت ابد مدت عرض میکنیم که جناب آقای معهود از این جهت ما را منسوب به جهل و نادانی کرده که از هر جهت خود را مالک جان و مال ماینداشتند و اغراض شخصی خود را در هر مورد بزور مجری داشته جهل و نادانی فدویان که امروز فی الجمله بعلم و نادانی مبدل شده است هیچ برای امثال اینگونه مردم مقرون بصرفه نیست که ما را تصدیق کنند و بگویند نباید با ما بیچارگان قهر اظلم کرد بهر حال عرض میکنیم عدد آقایان علماء بحمد الله در رشت زیاد و همگی بعلم و زهد موصوفند و تصدیق دارند که ظلم از هبوط حضرت آدم الی زمانهاذا مذموم و مقدوح بوده تا قیامت هم خواهد بود البته آن وجودات مقدس هم بحکم وجدان عمومی و باقتضای عدل و انصاف و انسانیت تصدیق خواهند فرمود که ظلم و بقای ظلم قبیح است پس بنا بر این قلوب محترم و عقول وزین و انصاف جلی آن حجج الاسلام تکذیب آقای معهود را فرموده اند لازم به بیان فدویان نیست فریاد و اوایلای فدویان جز این نیست که شقیع و باعث شوند تا قانون عدالت و حریت را در حق ما مجری داشته تا بفواید آن که یکی رفع همین اغراض و سخنان فاسده است نایل شویم و علاوه بر دعا گوئی ذات اقدس ملوکانه که فریضه صبح و شام فدویان است دعا گوی وجود مقدس حجج الاسلام باشیم .

(امضاء : صد و خورده اسم نوشته شده است)

(منع گمرک یا تجدید گمرک)

در سابق در تمام بلدان و دهات ایران مرسوم بود که ده دروازه و یا در محل ورود به شهر و قصبه گمرک میگرفتند و این گرفتن گمرکانه از روی عشر بود بلکه بهر اندازه که رئیس گمرک میل داشت مثلاً از یکمن روغن شصت و چهل مثقال بود در بعضی جاها دهشاهی و در بعضی شهرها یکقران و در بعضی جاها زیاده و کمتر میگرفتند بنده نگارنده در بیست سال قبل که از کرمان به طهران آمدم در رفسنجان از من احترام کردند چه مرا می شناختند و بار مرا فحص نکردند ولی در ورود به یزد یکساعت مرا

دم کوچه اول شهر معطل نموده و بارالایع مرا تفحص کردند چون یزدحصار و خندقی نداشت لذا دم اول کوچه اجزاء گمرک حاضر بودند و قتیکه از یزد خارج شدم بقدر نیم ساعت مرا معطل نمودند که مال التجاره شاید بیرون برده باشم چون فحص کردند چیزی نیافتند عقب رفتند در کاشان و ناین و قم و دم دروازه طهران کذا لک هم از واردین گمرک می گرفتند و هم از خارجین . باندازه انسان را معطل میکردند و فحص اسباب و خورجین انسان را می نمودند که انسان بمرک خویش راضی بود بعضی اوقات زیر پالان الاغ وزیر چادر و لباس زنها را می گشتند درده سال قبل که سال اول سلطنت اعلیحضرت مظفرالدین شاه بود این بدعت و خلاف شرع و تمدن را موقوف کردند باصطلاح ما که در روزنامه نوزنوشتم شاه گمرک داخله را بخشید و این بخشیدن گمرک داخله در سال ۱۳۱۴ بود و گمرک را واگذار به مسیونوز کردند که منحصر نمود بخارجه و سرحد در سابق که در همه شهرها گمرک میگرفتند در سال شصده هزار تومان هایدی گمرک بود لیکن مسیونوز گمرک شهرها را موقوف و ممنوع نمود ولی از خارجه که داخل میشدند و یا بخارج می شدند از مال التجاره مأخوذ می داشت و عایدی این گمرک محدود رسید به شش کرورباری حکومتهای شهرها دم دروازه از ذغال وینیر و بقول و میوه جات باسم حق العرض نه باسم گمرک از واردین چیزی میگرفتند باز گمرک باسمی دیگر و لباس دیگر مرسوم و معمول گردید . در این روز اول ماه شعبان دستخط اعلیحضرت شاهنشاه مظفرالدین شاه بر منع این گمرک غیر مرسوم صادر گردید از قرار مضمون ذیل :

(دستخط همایون شاهنشاهی)

جناب اشرف صدراعظم - از آنجا که رأی جهان آرای بیضا ضای ملوکانه، پیوسته برفاه عامه رعیت و به ارزانی و فراوانی قوت و غذای ناس معطوف و مصروف است محض سلامت ذات سنی الصقات همایون خسروانه از تاریخ صدور این دستخط انجم نقط مبارک کلیه بارهایی را که از خارج شهر داخل و وارد دارالخلافه میشود اعم از تره بار و حبوبات و بقولات و ما کولات و ذغال و هیزم و برنج و روغن و سایر اقسام ما کولات و آذوقه مردم به التمام و بالکلیه باستثنای (خانات محمدیه و سوق النواب) که مالیات و معمولی خود را کافی السابق باید بدیوان اعلی ادا و ایفا نمایند بالمره از باری سی شاهی و هر قبیل عوارض و تحمیلات سنوات قبل مرفوع القلم فرمودیم که هیچیک از امالی بهیچ رسم دیناری باین اسم و رسم از بارهای وارد بشهر مطالبه و دریافت نگردد و احدی در خارج شهر استقبال از بارهای وارد نموده و صاحبان بار بمیل و رضای خود بارها و امتعه خود را در کمال آزادی و اختیار بهر جا میل دارند وارد نموده بگذرانند روز بفروش برسانند.

آن جناب اشرف اکیداً بحکومت مر کزیه بدار الخلافه دستور العمل

داده و تمدن نماید که حسب المقرر ازاده عایه همایونی را در نهایت مراقبت بموقع اجرا گذاشته طوری مواظبت بکنند که دیناری از بابت معمولات و تحمیلات مذکوره از بارهای وارده بشهر اخذ و مطالبه نشده و چنانکه مکنون خاطر خضیر دریا مقاطر ماست این معافی و آزادی بارها اسباب خصب و ارزانی و فراوانی قوت و غذای عامه مردم شده وسایل دعا گوئی ذات ملکوتی صفات مبارک کاملاً فراهم آید و نیز محض امیدواری و اطلاع قاطبه رعیت مقرر ممداریم که مضمون این دستخط مبارک و مدلول این رأفت مخصوصه ملوکانه ما را در جزو اعلانات روزنامهها بعموم اهالی و افراد ناس اعلام و ابلاغ کنید که از سرانجام ملوکانه ذات همایون بحال عموم رعایا مصلح و متشکر باشند .

فی غره شعبان المعظم سنه ۱۳۲۴

اگر چه شخص اعلیحضرت مظفرالدین شاه مسلمان و متدین و رؤف و مهربان است لکن صدراعظم میرزا نصرالله خان هم بانهایت میل و شغف با ملت همراهی دارد .
روز جمعه دویم شهر شعبان المعظم سنه ۱۳۲۴ - امروز بقرار هر روز در مدرسه نظامیه مشغول انتخابات می باشند بنده نگارنده هم در امروز ورقه انتخاب گرفته و خود را در امروز صاحب افتخار و شرف و حق میدانم و صورت ورقه انتخاب را در این تاریخ نیز درج می نمایم اولاً شرح مجلس را عرض کنم جمعی از موقنین و مقدسین و اشخاص بی غرض در مجلس نشسته اند منشی و نبات و دفتر دار و کاتب هم نشسته اند هر کس وارد میشود بعد از معرفی کامل و اجماع شرایط ورقه را نوشته یا میدهند و اصل ورقه جایی است آنچه که در اوراق عموم نوشته میشود با مرکب جایی نوشته شده است و آنچه خاص است با مرکب معمولی می نویسند و هذا صورته :

ورقه انتخاب که صاحب این ورقه حق رأی در باب انتخاب دارد

بتاریخ ۲ شهر شعبان سنه ۱۳۲۴ محل شیرخورشید نمره ۳۷۱

ورقه انتخاب

ایالت	تهران	صنف	سلسله علمیه
اسم	جناب مستطاب شریعتمدار	اسم پدر	مرحوم آقا شیخ علی
	آقای ناظم الاسلام دامت برکاته		طاب ثراه کرمانی
مولد	کرمان	محل اقامت	تهران کوچه وزیر دفتر
محل حجره یا دکان	ندارد	سن	۴۳

هیئت مصدقین و معرفین طبقه علماء و طلاب بانجمن نظارت مجلس شورای ملی شهادت میدهم که دارنده این ورقه بموجب نظامنامه مورخ بیستم شهر رجب المرجب سنه ۱۳۲۴ موشح بدستخط

اعلیحضرت اقدس مظفرالدین شاه خلدالله ملکه دارای شرایط انتخاب است و میتواند رأی خود را درموقع انتخاب صنف و طبقه خود اظهار نماید این ورقه فقط بجهت انتخاباتی که در تاریخ واقع خواهد شد محضی و معتبر است . درظهر ورقه چند نفر از معرفین و نظار مهر کرده اند این است ورقه چایی انتخاب که نوشته شد . امضاء پشت صفحه .

روز شنبه سوم شعبان سال ۱۳۲۴ - امروز مردم بقرار هر روز مشغول امر انتخاب شدند چون امر مهمی جز اخبار ورود شاهنشاه از قصر بیلاقی سلطنتی بشهر نداریم مناسب این است که واقعه آذربایجان را برشته تحریر درآوریم و هذا صورتها :

واقعه تبریز

روز چهارشنبه ۲۹ رجب ۱۳۲۴ - طرف صبح چند نفر از آقایان و ائمه جماعت و سادات بقونسلخانه انگلیس رفته و در آنجا اقامت کرده تلگراف بتوسط وزیر مختار بمجلس شورای ملی بخابره نموده که مضمون و ما حصل آن این است که اصول مشروطیتی که در دارالخلافه طهران اجرا گردیده و مجلس شورای ملی تأسیس یافته و این خبر در تمامی ولایات داخله و خارجه منتشر و رسماً اعلان شده جشنها چیده و چراغانیها نموده اند چطور شده است در تبریز که مرکز آذربایجان و چشم چراغ ممالک محروسه ایران است هیچ خبری از این اخبار و رایحه از این عوالم نیست امر مبارک همایونی در این باب شرف صدور مقرون گردیده و تاریخ نیک بختی ایرانیان را احیا فرموده آیا مابینت افکاری در میان عراقیان و آذربایجان افتاده و یا جماعت تبریز که گوی سبقت اتفاق و همت در هر حال قسمت ما بوده صحایف این تاریخ مقدس ایران را لکه دار خواهیم نمود . جمعی از سادات در راسته بازار ریخته چند تیر ششلول و طیانیچه خالی کردند عموم بازاریان دکانین و سراها را بسته بطرف قونسلخانه روانه شدند شب پنجشنبه غره ماه شعبان بقدر یکصد نفر در قونسلخانه خوابیدند .

روز پنجشنبه و جمعه اکثر تجار و معتبرین و محترمین آمده و سه اطاقی برای علما و تجار و اصناف معین کرده .

روز شنبه سوم هم يك اطاق تعویذخانه بنا کرده صندوق بزرگ آورده تحویلدار و دفتردار مخصوص معین کردند و تمامی تجار و اصناف علی القدر مراتبهم پول نقد برای مصارف این کار داده و اشخاصیکه بواسطه یاره ملاحظه محذور حضور نداشتند آنها را رقعہ مخصوصی می نوشتند ایشان نیز می آمدند و اسامی خودشانرا نویسانیده و وجه اعانه بصندوق داده و میرفتند انجمن عدالت طلبان اسلام اعتبار و اقتداری پیدا نمودند و بسیاری از بزرگان مملکت اسامی خود را در دفتر انجمن نوشته و باطناً داخل انجمن شدند باره از علماء در مسجد حاجی صبصام خان ازدحام نموده و در مقصد با متحصنین قونسلخانه متعدد شدند جناب حاجی سید محمد قراباغی که از سلسله علماء شیخیه است بیای برخاسته بدین وتیره سرود ایها الناس مخالفت شیخیه با مشرع و حاجی کریم خانی و سید محمد باقری همه اینها برای جلب نفع و رباست است دره نذهب ابداً اختلافی نیست و همه سالک یک طریق هستیم و هیچ

مغایرتی در بین نیست خصوصاً در این مسئله که حاوی سعادت و سیادت ملی و دولتی ما است پس باید برای خیر ملک و ملت و مشروطیت سلطنت و افتتاح مجلس شورای ملی و اجرای قانون اساسی مجتذانه باتفاق حرکت نمائیم.

در این اثنا واقعه حیرت انگیزی رخ نموده که موجب دهشت عموم گردید و آن این است که از آغاز کار و جنبش طهرانیان و آذربایجانیان مفسدین چنین گوشزد تبریزیان نموده بودند که چون این عمل سبب ناراضائی حکومت است و اگر از اهل تبریز اقداماتی در این کار شود لشکر گاهی که در تبریز بسرمداری جناب وزیر نظام چند ماهی است بر قرار شده و برای دفع طواری از عثمانی از هر جهت عدداً و عداً آماده جنگ است فی الفور و منقاة بشهر تبریز ریخته و همه را از تیغ خواهند در گذرانید. و از اینرو بود که عموم اصلاح خواهان از هر طبقه مسلح بودند در این روز که مجمع عام بود و سید معظمه خطبه و خطابه خوانده بود فرقه از لشکر گاه مزبور از خاج شهر به جامع مصصام آمده و از طرف خود و ضباط و عموم سپاه بحضرات علماء و اهل شهر چنین تبلیغ کردند.

اهالی اردو و عموم عسکر بر آنچه امر فرمایند در اجرای آن حاضرند.

حضرات معلمین از اتحاد لشکری با کشوری محکم پی کار شده جداً بی تنظیم و ترتیب کار خود شدند از طرف حکومت فوراً نان و گوشت را ارزان کردند بلکه عوام الناس فریفته شوند بالعکس مردم متأذی شدند که ما گرسنه نان و گوشت نیستیم بلکه ما تشنه و گرسنه قانون اساسی و اصول مشروطیت هستیم کجا رواست که برادران ما در طهران در راه سعادت ملی آغشته بخون خویش شوند و ما بفکر نان و خورش و خواب باشیم طایفه ارمن تبریز حب السیاسة ظاهراً آرام بوده ولی باطناً با مسلمانان شهریکدل و یکزبان بودند و شریک و سهم آنان بودند اگر چه مفسدین خیلی کوشیدند که ایشان را از اتحاد با مسلمین باز دارند ولی آن ملت بیدار سخنان واهی مفسدین را نشنیده و داد هم خاکی را در این قضیه به نیکوئی دادند و باطناً از معاوتت و همراهی دریغ نکردند.

حضرات علماء و واعظین نطقهای بلیغ و مؤثری ایراد کرده معنی مشروطیت و فواید مشاورت و منافع دارالشورای ملی را گوشزد عموم اهالی نمودند و چنان حالیشان میفرمودند که میتوان گفت امروز حس عموم اهالی تبریز از عالم و جاهل دریک میزان است همه روزه عموم اهالی در حیاطهای قونسلخانه جمع شده و گوش هوش بر آواز متکلمین افراشته و با جان و دل اصفا میگردند و با آواز بلند میگفتند و نعره میکشیدند (زننده باد شاهنشاه ایران) (زننده باد عدالت طلبان) (زننده باد آزادی) (نیست و نایود باد استبداد) و در روز دویم که روز پنجشنبه غره شعبان بود آقایان روحانیان عموماً بدون استثناء احدی در مسجد حاج میرعلی مرحوم جمع شدند فردایش بمسجد جنب قونسلخانه جمع شدند روزها با حضرات متحصنین قونسلخانه دریکجا بودند و شبها پخانه هاشان میرفتند و بعضی ها در خانه خدا بیتوته میفرمودند و چون در اول کار سوء ظنی بمیان آمده بود لهذا يك جلد قرآن بزرگی آورده چند تن از فدائیان راه ترقی وطن عقد اخوت و اتحاد بسته و کلام الله مجید را مهر و اهداء نمودند و دارو ندار خود را در سر اینکار تقدیم و کتاب مقدس آسمانی را حکم قرار داد و عهده بستند که حمایت یکدیگر را با مال و جان

بکنند هر یکی نطق مخصوصی کردند و طوع و رغبته خود را یا وضعهای بسیار مؤثر تقریر نموده و عموماً مهر و امضاء نمودند بعد از امضاء عموم يك حالت رفعتی فرا گرفته ساعتی بر مظلومیت ملت خود اشك خونین فرو ریخته و مطاعن ظلام بی وجدان را بر شمرده سپس دست اخوت و مودت بهم دیگر داده و یکدیگر را در آغوش گرفته مانند برادران صلبی و بطنی که بعد از ده سال مفارقت بهم دیگر میرسند از هم دیگر جدا شدن نمیخواستند.

بعد از آنکه این جوانان خون پاک و صاحبان حمیت و انهماك این عهد بزرگ را بسته و جان شیرین خود را در راه سعادت وطن عزیز بر طبق اخلاص نهادند حضرات تجار ذوی الاحترام نیز عموماً همان قرآن مجید را مهر و امضاء نمودند سپس آقایان علماء ادلام بدون استثناء در مسجد جوار قونسلخانه يك ياك پاشده علی رؤس الاشهاد در همان مضمون کلام خدا را سجلی نوشته و مهر فرمودند یکبار هیاهوی غریبی از اهالی و عوام الناس که در باغچه قونسلخانه جمع شده بودند بلند گردید و با حالت بسی مؤثر و رقت آمیزی میگفتند مگر خون و دارائی با از مال شماها عزیز تر است که ماها جان و مال خود را در این راه مضایقه نماییم قرآن را بیاورند که مهر و امضاء نمایند لذا قرآن را آوردند چون صحایف قرآن مهور و گنجایش مهر تمامی را نداشت لذا يك کتابچه بزرگی بهم دوخته و آیتی از آیات قرآن مبین را در آن نگاشته عموم حاضرین ذیل همان آیه شریف را مهور داشتند.

در این گیرودار شاگردان مدرسه لقمانیه با حالت محزون وارد جامع شده و کودک ده ساله از آنها بمنبر شده خطبه آغازیده و بعد در این جمله منتهی نمود:

ما کودکان نا بالغ هم در راه حریت ملت حاضریم جانهای کوچک خود را فدای وطن نماییم. در این اثنا قضیه رنگ دیگر گرفت و هیجان و حرارت و شور ملی مردم را گرفته لهذا مقام منع ولایت عهد که تا کنون از سعایت و وشایت مفسدین و مغرضین در انظار ملت متهم بر بقاء استبداد شده بود از شورش عام مطلع شده یکی از امنای خود را بسوی ملت گسیل و روانه داشت باعث اجتماع عام و شورش عمومی را پرسیدند و در جواب او مردم چنین گفتند.

پدر تاجدار و مهربان شما و ما در طهران مشروطیت سلطنت و تأسیس مجلس شورای ملی را بخواهش پادشاهانه پذیرفته و اعلان فرمودند از شما که ولعهد دولت و تالی سلطان هستید خواهش داریم که مشروطیت سلطنت و تأسیس مجلس شورای ملی را قبول فرموده و مضمی داشته و بجمیع و کلای دول خارجه رسماً اطلاع بدهید.

والاحضرت ولیعهد در پاسخ چنین فرمود که با کمال شوق مراتب را استقبال می نمایم ولی استعلام از طهران لازم است فوراً باتلگراف استدعا و تمثیلات رعایا را معروض حضور ملوکانه نموده که ماصورت تلگرافات را بعد از این درج خواهیم نمود، باری اتفاق و اتحاد و هم عهدی اهالی ازادانی و اهالی بجائی رسید که از فقرا صدا بلند شد و داد می کشیدند و میگفتند که ما فقرا و کسبه و مساکین و عجزه حاضریم بر اینکه دست از کار باز داشته داروندار خود را خورده و تمام نمایم و بعد جان خود را فدای وطن و راه وطن سازیم مبادا همچو خیال بکنید که ماها از بستن بازار و نبودن کسب و کار بشویم آمده و نقض عهدی خواهیم نمود

قربان همتان بکوشید و نخسته مشوید و عرایض و دردهای ما را به پادشاه مایرسانید امانت ما را از ظلم و استبداد برهانید یکی از آقایان متکلمین در ضمن نطق خود خطاب بر رؤسای روحانی و سایرین گفت ای آقایان عظام امان است امان دیگر پس است دست از این بیچارگان بردارید اینها را گذشت فرمائید پس است غلط کرده اند که خورده اند دیگر آنها را ول کنید امانت رحمی بر حال آنها فرمائید از اینکه اصل مطلب را دریافته و حقیقت را فهمیده اند مؤاخذه نفرمائید و دست از گردن و گریبان اینها بردارید بعد از این اینها گول نمی خورند خلاصه کلام اتفاق و اتحاد و یکجبهتی آقایان اهل تبریز و کمال متانت و نجابت ایشان ملل متمدنه را بحیرت آورده تلگرافاتی هم بطهران مخایره نمودند که مایکی از آنها را درج نمودیم و در بقیه واقعه تبریز خواهد آمد .

روز یکشنبه چهارم شعبان ۱۳۲۴ - امروز تلگرافی از تبریز مخایره شده که صورت آن از این قرار است :

تلگراف از تبریز

بتوسط سفارت سنیه دولت فخمیه انگلیس - حضور مبارک حضرت مستطاب حجة الاسلام آقای آقاسید محمد مجتهد و سایر حجج اسلام ادام الله ظلهم العالی ای ملی اسلامیان و افتخار تاریخ ایرانیان زبان از ستایش مساعی مشکور و نیایش مجاهده موفق و اقدامات ملت پرورانه حضرت تعالی و سایرین قاصر است الآن بازار و دکان کین مسدود تمامی علماء و امنای تجار و معتبرین و اهالی در قونسلخانه دولت انگلیس و جمعی از علماء اعلام در مسجد پناهنده جناب قونسلگری در هر گونه اقدامات مجددانه حاضر و مستعد هستند که بیشتر اقدامات خودتان بکتابچه قانون اساسی که موافق شرایط استمعین فرمائید بیاها برسانید که بر طبق آن معمول و رفتار شود .

(امضاء : از طرف اهالی تبریز و عموم آذربایجان)

در مدرسه نظامیه اصحاب حل و عقد مشغول انتخابات میباشند از ولایاتهم متوالیاً تلگرافات مخایره میشود . امروز اعلیحضرت اقدس شاهنشاه مظفرالدین شاه از قصر بیلاقی صاحبقرانیه وارد شهر شدند شاگردان مدارس و طلاب و محصلین و سادات و تجار و کسبه و اصناف استقبال نمودند با همه شاگردان و طلاب اظهار لطف و مهربانی فرمود گو سفند زیادی در هر گذر و هر قدمی جلوشاه قربانی کردند خطابه ها خوانده شد صدای زنده باد شاه ایران از هر طرف بلند بود تا کنون برای ورود هیچ شاهی از بیلاق این گونه استقبال نکرده بودند دوشب مردم چراغان ورود شاه را نمودند .

روز دوشنبه پنجم شعبان ۱۳۲۴ - دیشب در شهر چراغانی مفصلی کردند صدای زنده باد شاهنشاه از مردم بلند بود در مدرسه نظامیه هم مردم مشغول انتخاب میباشند در این روز هم تلگرافات بسیار از ولایات مخایره شد .